

کارگران سوسیالیست

شماره ۱۵

قیمت ۱۰ ریال - چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۵۹

اعترافات فلاحی و ضرورت تشکیل کمیسیون تحقیق

مسئولین امر در همدستی با بعضی ها هنوز باید برملا شود. ولی بگذریم.

آنچه مسلم است اینست که امروز کاملا روشن شده است که شکست های نظامی ایران با سیاست های سرکوبگرانه و خیانت کارانه بخش های گوناگون هیات حاکم رابطه مستقیم دارند. ملت ما حق دارد بداند که چرا و چگونه مقاومت موثر در مقابل تجاوز نظامی سازمان داده نشده. زحمتکشان ما ده ها هزار کشته و بیش از یک میلیون آواره در این جنگ دادند. آنها باید حقایق را بدانند.

مخصوصا حقایق فاجعه اخیر در هویزه باید روشنتر شوند. مسئولین تارومار شدن لشکر زرهی قزوین چه کسانی رچه عواملی بودند؟

امروز بیش از هر زمان ضروری است که یک کمیسیون تحقیق واقعی برای رسیدگی به این مسئله تشکیل شود. سرسازان باید تقاضای تشکیل کمیسیون تحقیق را مطرح کنند. شوراهای زحمتکشان و مخصوصا شوراهای کارگری باید ضرورت تشکیل کمیسیون تحقیق را مطرح کنند و قاطعانه بپذیرند. کمیسیون مرکب از نمایندگان واقعی سربازان و زحمتکشان باید به این مسائل رسیدگی کنند.

امروز خدمت منقضی های سال ۱۳۵۳ بیلا، برای اعزام به جبهه به خدمت فراخوانده شده اند. آنها نیز باید بدانند که اگر اوضاع جبهه بر منوال سابق سازماندهی می شود حضور آنها در جبهه کمکی به پیشبرد مقاومت نخواهد کرد. جانیازیها و جانفشانی های آنها نیز موثر نخواهد افتاد. آنها نیز باید حقایق را در مورد علل تعلل در سازماندهی موثرتر مقاومت از سوی مقامات دولتی و ارتش بدانند. تا بتوانند در جبهه بر علیه آن مبارزه کنند. آنها نیز باید قاطعانه خواستار تشکیل کمیسیون تحقیق شوند.

چند روز پیش بعد از آنکه با فاجعه هویزه توخالی بودن حرف های جناب آقای تیمسار فلاحی، و فرمانده کسل قوا در مورد تدارک یک تهاجم گسترده نظامی آشکار شد. ظاهرا جناب تیمسار فلاحی صلاح در این دیدماند که برخی از علل ناتوانی ارتش در مقابله با تهاجم نظامی عراق را بازگو کنند. و اگر چه ایشان هم برسم سیاستمداران امروزی ابرام کردند که حرف های اساسی خود را بعدا در وقت مقتضی خواهند زد! (وقت مقتضی برای بررسی شکست های نظامی چه وقت است؟) ولی در هر صورت برخی مسائلی که ایشان در این زمینه عنوان کرده اند آموزنده است!

زمانی که ارتش بمش عراق تهاجم همه جانبه ای را در سراسر نوار مرزی جنوب غربی و غرب کشور علیه ایران آغاز کرد، ارتش ما در کردستان درگیر بود. و مقدار زیادی از تجهیزات نظامی و پرسنل ارتش هم از مرزهای بین دو کشور فاصله داشتند. و بهرحال مدت زمانی لازم بود تا ما این نیروها را تدارک کنیم و ارتش هم که نمی توانست بلافاصله کردستان را رها کند و بیاید. و اگر ما نتوانستیم از همان ابتدا ارتش عراق را در مرزها متوقف کنیم به همین علت بود و پس از اینکه خسارت نیروهای ما در کردستان بر کردیم. بلافاصله به مقابله برخاستیم.

عجب. پس از آنجا که ناچار بودیم که به کشتار زحمتکشان کرد ادامه دهیم و مبارزه آنها را برای حقوق ملی بخریم بکنیم بی رنجه بمب های آتش زا و ناپالم بر سر آمان بریزیم لازم بود خوزستان را بی دفاع به امان خدا رها کنیم، تسلیت مزدوران بعضی همان معامله را با برادران زحمتکش ما در خوزستان بکنند. واقعا که منطقی حکومت سرمایه داری را بهتر از این نمی شد توصیف کرد.

والته اینها، همانطور که جناب تیمسار فرموده اند تنها گوشه ای از ماجراست. داستان خیانت های آگاهان

۵ ص	سود ویژه و افزایش دستمزدها	۵ ص	حضور منتقدی خدمت های ۵۳ تا ۵۷
۵ ص	قطعه نامه سمینار سپاه پاسداران	۵ ص	کارگران لهستان در مبارزه برای ۴۰ ساعت کار
۵ ص	تبلیغ شکنجه همراه با کذب آن	۵ ص	۲ بهمن سالروز اعلام جمهوری خودمختاری کردستان

احضار منقضی خدمت‌های ۵۳ تا ۵۷ به خدمت

جنوب اعزام شدند ، وقتی به جبهه رسیدند متوجه شدند که فرماندهان گریخته‌اند ، و نه ستاد فرماندهی در آنجا وجود دارد و نه تشکیلاتی ، و نه جایی که بتوانند خود را معرفی کنند ، عده زیادی از آنها نیز در خیابان های اهواز اند یمشک و غیبه سرگردان شدند .

و آنهایی که بالاخره به پادگان ها رفتند دیدند فرماندهان جنگ و مقاومت ندارند ، و آنها باید دست روی دست بگذارند و شاهد جنایات مزدوران بعث باشند ، تا حضرات تیمسار و کودتاچی و غیره حساب های دیرینه خود را با پاستاران و غیره و ذالك تصفیه کنند .

بطور کلی اوضاع بقدری وخیم شده بود که حجت الاسلام والمسلمین خامنه‌ای ، دو ماه بعد از احضار منقضی خدمت های ۵۶ ، لازم دانستند در خطبه های نماز جمعه به فرماندهان ارتش هشدار دهند که تکلیف آنها را معلوم کنند !!

و تعجبی ندارد که اکثر شهدای نظامی جنگ همیمن منقضی خدمت های ۵۶ بودند ، که بدون تمرین و تجربه کافی و بدون سازماندهی لازم و هماهنگی با سایر نیروها به جبهه جنگ فرستاده شدند .

و از مشکلات دیگری که برای منقضی خدمت های ۵۵ ایجاد کردند ، مثل دو برابر کردن مدت خدمت ، و عملاً قبح حقوق آنها حرفی نمی‌زنیم .

واضح است اگر بر سر خدمت منقضی های سال های ۵۲ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ هم بخواهند همین بلاها را بیاورند ، وجود آنها در جبهه کمکی به مقاومت نظامی نخواهد کرد ، تا وقتی رهبری متمرکز ، مسئول و دارای پیوند عمیق با سربازان و توده زحمتکش بوجود نیاید ، تا وقتی سازماندهی نظامی منجم ، منضبط و هماهنگ صورت نگیرد ، خدمت منقضی ها ۵۲ به بالا که سهل است میلیون ها نفر هم نخواهند توانست مقاومت قاطع و موثری بر علیه تجاوز نظامی بوجود آورند .

ما مخالف فراخواندن منقضی خدمت های ۵۲ به بالا ، به جبهه مقاومت نیستیم ، برعکس نظرها ، که از همان آغاز تجاوز نظامی به تبلیغ آن و مبارزه برای آن پرداختیم اینست که تمام توده زحمتکش در سراسر ایران باید برای شرکت در مقاومت نظامی بسیج و مسلح شوند ، مسأله‌ای که در اینجا مطرح است اینست که راه و شرایط پیروزی کدامند ؟ راه پیروزی بسیج نظامی و تسلیح عمومی همه زحمتکشان ایران ، تحت کنترل شوراهای خودشان است ، نه سرپازگیری تحت کنترل تیمسارهای کودتاچی ، این یکی راه شکست انقلاب است نه پیروزی انقلاب ، و اگر مقاومت بر همین روال کنونی ، بدست تیمسارهای شاهنشاهی سابق ، و اسلامی امروز سازمان یابد ، منقضی خدمت های ۵۲ به بالا تبدیل به گوشت دم توپ خواهند شد نه ارتش مقاومت .

و منقضی خدمت هایی که داوطلبانه ، خود را برای

بقیه در صفحه ۴

فرماندهی کل نیروی مسلح جمهوری اسلامی ، چندی پیش اعلام کرد که خدمت منقضی های سال های ۱۳۵۳ ، ۱۳۵۴ ، ۱۳۵۵ و ۱۳۵۷ ، از تاریخ ۱۵ / ۱۱ / ۵۹ ، بطور داوطلب به خدمت فراخوانده می‌شوند ، براساس این تصمیم بنظر می‌آید که ارتش جمهوری اسلامی از لحاظ نفرات سخت در مضیقه است ، و تعجبی هم ندارد ، با دست گل هایبی که فرماندهان کودتاچی اخیراً در جبهه به آب داد ماند ، و با فاجعه اخیر هویزه ، که به مثلاًشی شدن لشکر قزوین منجر شد ، انتظار دیگری هم نمی‌رود ، جز اینکه ارتش جمهوری اسلامی سخت در مضیقه باشد .

ولی آیا احضار منقضی خدمت های سال های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ دردی را در جبهه دوا خواهد کرد ؟ در شرایطی که آنقدر ناهماهنگی و بی‌مسئولیتی در سطح فرماندهی در جبهه حکمرانی می‌کند ، که لشکری با تجهیزات ، تجربه و پرسنل لشکر قزوین آنچنان ضربه می‌خورد ، منقضی خدمت های سال های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ چه نقشی بازی خواهند کرد ؟ جز آنکه گوشت دم توپ بشوند .

تجربه منقضی خدمت های سال ۵۶ در این مورد کاملاً آموزنده است ، اکنون قریب به شش ماه است که از احضار آنها به جبهه جنگ می‌گذرد ، و بجزرات می‌توان گفت که اکثر آنها تجربیات و خاطره های بسیار تلخی از اوضاع دارند .

همه ما شور و شوق انقلابی مردم را ، برای شرکت در جنگ مقاومت ، در روزهای اول جنگ بخاطر داریم ، منقضی خدمت های ۵۶ ، نیز در آن روزها ، شریک در شور و شوق انقلابی مردم ، بمحض احضار به خدمت چون سیل روانه پادگان ها شدند و آمادگی خود را برای شرکت در جنگ مقاومت بر علیه تجاوز نظامی اعلام کردند ، لکن در همان روزهای اول اکثر آنها متوجه شدند که دولت خیال دارد آنها را ، بجای جبهه جنگ ، به کردستان بفرستد ، و به کشتار برادران کردمان بگمارد ، این امر از همان ابتدا باعث اعتراض گسترده ای در میان منقضی خدمت های سال ۵۶ گشت و مزه بسیار تلخی در دهان آنها باقی گذاشت ، و با آنکه نقشه دولت برای استفاده از شور و شوق انقلابی مردم ، بمنظور سرکوب زحمتکشان ما ، با اعتراض وسیع روبرو شد و با شکست مواجه گردید ، ولی عده قابل توجهی از منقضی خدمت ها در هر صورت به کردستان گسیل شدند .

عده دیگری از منقضی خدمت ها به پادگان های مختلف در نقاط مختلف کشور فرستاده شدند ، و در آن پادگان ها بلا تکلیف و سرگردان رها شدند ، و بلا تکلیفی طولانی ، شور انقلابی آنها را به سرخوردگی تبدیل کرد ، و وقتی اعتراض میکردند که چرا ما را به جبهه نمی‌فرستید سرهنگ مسئول پادگان پاسخ می‌داد ، اسلحه نداریم ، مهمات نداریم ، کلاه نداریم ، لباس نداریم و ...

عده دیگری از منقضی خدمت های ۵۶ که به جبهه

کارگران لهستان در مبارزه برای ۴۰ ساعت کار، ۵ روز در هفته پیروز شدند

آنها با اتحاد کارگری همبستگی قدرت و زحمتکشانشان را در لهستان دوچندان خواهد کرد و بوروکراسی حاکم متزلزل خواهد شد.

این پیروزی کارگران لهستان، يك پیروزی برای کسب کارگران جهان محسوب می‌شود. و تمام کارگران جهان باید به استقبال از آن، و همبستگی با کارگران لهستان پیروزان اولی برای طبقه کارگر مسئله تنها همبستگی با کارگران لهستان نیست مهمتر از آن اینست که شیوه مبارزه آنها را با دست‌مطالعه کنیم و از آنان بیاموزیم. قدرتی که هم‌اکنون کارگران لهستان به منصف ظهور داده‌اند در دست‌مطالعه تمام کارگران جهان نهفته است و با سازماندهی و اتحاد میتوان آن را در سراسر جهان بوجود آورد.

این امر مخصوصاً برای کارگران ایران، که از تجربه سازماندهی نسبتاً کثرتی برخوردارند حائز اهمیت بسیار است. هم‌اکنون مبارزه برای ۴۰ ساعت کار، برای افزایش دستمزدها، برای مقاومت در برابر حملات هیات حاکم و سرمایه‌داران به سطح زندگی طبقه کارگر، برعلیه تورم، بیکاری، همه و همه در دستور کار مبارزات کارگری در ایران قرار دارد. اکثر این موارد جزو درخواست‌های هستند که کارگران لهستان، در عرض چند ماه گذشته برای آن مبارزه کرده و با پیروزی بدست آورده‌اند و این پیروزی را بدون سازماندهی و اتحاد خود هستند. بدون آن هستند که نتوانستند سندیکای واحدی ایجاد کنند که اکثریت عظیم کارگران در آن متشکل هستند و از طریق آن مبارزات خود را بطور متحد جلو می‌برند. کنفرانس سراسری شوراهای کارگری و ایجاد شورای واقعی و دموکراتیک تمام کارگران ایران سازنده است اساسی که راه را برای پیروزی کارگران سراسر کارفرمایان و تمام ایادی زورگو و قداره بند آنان باز می‌کند.

* زنده باد کارگران لهستان!
* زنده باد همبستگی کارگری!

اخبار مبارزات کارگران لهستان، هم‌اکنون، در سراسر جهان، یکی از داغ‌ترین اخبار روز است. قدرت عظیمی که سازماندهی و اتحاد کارگران لهستان در طی مبارزات چند ماه اخیر بنمایش گذاشته است، بواسطه در تاریخ جنبش کارگری کم نظیر است. کارگران جهان از يك سو، و استثمارگران و زورگويان جهان از سوی دیگر، اولی با همبستگی آمیخته به امید، دومی با کینه آمیخته به ترس تحولات این مبارزات را می‌نگرند.

آخرین مبارزه‌ای که مابین اتحادیه کارگری عظیم همبستگی، و هیات حاکمه لهستان در گرفت مبارزه‌ای بود بر سر کاهش ساعت کار از ۴۸ ساعت به ۴۰ ساعت در هفته و کاهش روزهای کار از ۶ روز به ۵ روز در هفته. علاوه بر حق دسترسی نمایندگان کارگران به رسانه‌های گروهی و به رسمیت شناختن اتحادیه‌های آزاد دهقانی و حقوق دهقانان در تشکیل سندیکاهاى آزاد.

اتحادیه همبستگی برای شکست دادن هیات حاکمه لهستان در این نبرد مهم خود روزهای شنبه را تعطیل اعلام نمود، و در مقابل عکس‌العمل مقاومت دولتی، که می‌خواستند از پرداخت دستمزد روز شنبه کارگران جلوگیری کنند، اعلام کرد که دامنه اعتصاب گسترش خواهد یافت.

امروز اعلام شد که رهبران اتحادیه و بوروکراسی لهستان در مورد اکثر موارد اختلاف به توافق رسیدند. بوروکراسی قلد ریش و گماشته کرم‌لین بار دیگر در مقابل قدرت اتحاد کارگران به زانو درآمد. و دو مورد از سه تقاضای کارگران را پذیرفت. یکی ۴۰ ساعت کار، ۵ روز در هفته، و دیگری حق دسترسی کارگران به رسانه‌های جمعی. کارگران با آنکه به درستی این پیروزی را جشن گرفتند، در همان زمان اعلام کردند که همبستگی فعال کارگران، و اتحادیه همبستگی با مبارزات دهقانان ادامه خواهد داشت.

بیگمان در این مبارزه نیز پیروزی از آن زحمتکشانشان خواهد بود. تشکیل سندیکاهاى عظیم دهقانی، و اتحاد

کارگران مبارز:

با توجه به بحران جامعه و ناتوانی هیات حاکم در رفع آن، مخارج چاپ و پخش نشریات همچون سایر با احتیاج زندگی بشکل سراسر آوری بالا رفته است. ما برای اینکه بتوانیم نشریه کارگران سوسیالیست را بطور مرتب بدست شما کارگران مبارز و زحمتکش برسانیم احتیاج به کمک‌های مالی شما داریم.

نشریه کارگران سوسیالیست، نشریه‌ای است در خدمت پیشبرد مبارزات کارگران و زحمتکشانشان، نشریه‌ای است که برای کارگران مبارز و به کمک آنان نوشته می‌شود. اگر خواهان چاپ و پخش مرتب آن هستید کمک‌های مالی خود را از طریق فروشندگان نشریه بدست ما برسانید.

**برای چاپ و پخش
کارگران سوسیالیست
به کمک‌های مالی شما
نیازمندیم.**

۲ بهمن سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان

می‌گذرد . این روز نه تنها برای خلق ستدیده کرد بلکه برای طبقه کارگر ایران که خواهان رفع ستم ملی از خلق های ستدیده است . نیز گرامی است . تا هنگامی که خلق کرد در زیر ستم قرار دارد این ستم نیز بر طبقه کارگر وارد می‌شود . کارگران بعنوان طبقه‌ای که می‌خواهند استثمار را از میان ببرد و سوسیالیزم را برقرار کنند نمی‌توانند پایمال شدن حقوق مردم و ملیتی را تحمل کنند .

امسال خلق ستدیده کرد (آری بهندان) در شرایطی گرامی داشت که شهرهای کردستان در اشغال ارتش و پاسداران مهاجم بود و نزدیک به یکسال از محاصره اقتصادی کردستان توسط دولت جمهوری اسلامی می‌گذشت و شهرها و دهات زیر بمباران هواپیماهای فانتوم ویران شده بود . خلق کرد سی و پنجمین سالگرد جمهوری مهاباد را در شرایطی گرامی داشت که در سوگ بهترین فرزند آن زحمتکشان کشته نشسته بود .

طبقه کارگر ایران در برابر اعمال وحشیانه دولت جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگر آن نمی‌تواند بی‌تفاوت بماند خلق کرد خواستار خروج ارتش و سپاه پاسداران از کردستان است . خلق کرد خواستار رفع محاصره اقتصادی از کردستان است . خلق کرد خواستار توقف بمباران ها و کشتار های وحشیانه است . خلق کرد خواستار حق تعیین سرنوشت و تشکیل مجلس مریسان است . طبقه کار نمی‌تواند از این خواست ها پشتیبانی نکند . دفاع از مبارزات و خواست های خلق کرد ، جزئی از مبارزه طبقه کارگر برای رهایی تمام زحمتکشان از زیر یوغ استثمار و سرمایه داری است ■

۲ بهمن (آری بهندان) ، سی و پنجمین سالگرد تاسیس حکومت خودمختار کردستان بود . سی و چهار سال پیش ، سال ۱۳۲۴ ، خلق کرد تاسیس جمهوری مهاباد اعلام نمود . و قاضی محمد رهبر جنبش خلق کرد بعنوان رئیس جمهوری خودمختار کردستان انتخاب گردید . و بدین ترتیب خلق ستدیده کرد پیروزی بزرگی در راه احقاق حقوق پایمال شده خویش بدست آورد . کردان به عنوان يك ملیت تحت ستم که از ابتدایی ترین حقوق انسانی و ملی خویش محروم شده بودند ، توانستند بر سرنوشت خویش حاکم بشوند . این پیروزی در حقیقت نه تنها پیروزی برای زحمتکشان کرد بلکه پیروزی برای طبقه کارگر و زحمتکشان ایران نیز بود .

عمر جمهوری مهاباد کمتر از یکسال بود . دولت استبدادی مرکزی ، دیکتاتوری شاه ، در سال ۱۳۲۵ جمهوری مهاباد را بخون کشید و قاضی محمد ، رهبر محبوب خلق کرد را اعدام نمود . چرا که دولت استبدادی نمی‌توانست برای خلق کرد و زحمتکشان حقی قائل بشود . همزمان با سرکوب جنبش خلق کرد ، دولت کارگران صنعت نفت را که در اعتصاب بودند ، شدیداً سرکوب و رهبران کارگران را دستگیر نمود . دولت شاه این همه را به رهبری حکومت قوام السلطنه همدستی فعال حزب توده استالینیست انجام داد .

بدین ترتیب دولت استبدادی شاه نشان داد که هر پیروزی برای خلق کرد در عین حال يك پیروزی برای طبقه کارگر و زحمتکشان نیز هست . سرکوب جنبش خلق کرد ، سرکوب طبقه کارگر نیز بود . چنانکه دولت استبدادی در سرکوب هیچ کدام تعلل ننمود .

بهر روز سی و پنج سال از تاسیس جمهوری مهاباد

سود ویژه و ...

دهد و مسئولیت کامل رسیدگی به آنها را برعهده بگیرد . بودجه اینکار هم از طریق مصادره سرمایه های امپریالیستی و سرمایه داران بزرگ بدست می‌آید ، نه از طریق حمله به سطح زندگی بخور و نمیر طبقه کارگر .

- کنگره سراسری نمایندگان شوراها باید برگزار شود
- به کلیه کارگران باید حداقل ۱۰۰.۰۰۰ ریال بعلاوه یکماه حقوق در پایان سال ۵۹ پرداخت گردد
- حداقل دستمزد کارگران باید ۲۵۰۰۰ ریال در ماه تعیین گردد

- برای افزایش دستمزدها متناسب با افزایش هزینه زندگی

- برای تدوین طرح طبقه بندی مشاغل توسط کنگره سراسری نمایندگان شورا های کارگری

★★★

احضار ...

اعزام به جبهه جنگ معرفی می‌کنند باید از این حقایق آگاه باشند . آنها باید شورایی از میان خود انتخاب کنند (شورای داوطلبین منقذی خدمت) و توسط شورای خود بطور جمعی وارد مذاکره با مسئولین امور شوند . آنها باید قاطعانه از اعزام شدن به کردستان و یا هرگونه شرکت در سرکوب مردم و زحمتکشان ایران امتناع کنند ، و در صورت اصرار مسئولین ، این هدف آنها را قاطعانه افشا کنند . اعزام آنها به پادگان ها و تماس آنها با مسئولین باید بطور دسته جمعی و توسط شورای خودشان صورت بگیرد نه انفرادی تا در اثر هرج و مرج و تعلل های فرماندهی سازماندهی آنها از هم نباشد . شورای آنها باید تقاضا کند که منقذی خدمت ها قبل از اعزام به جبهه تمرینات نظامی کافی ، مخصوصاً کار با سلاح های سنگین ، را ببینند . و شورای آنها در تصمیم گیری های مربوط به اعزام آنها شرکت داشته باشد . و برنامه شرکت آنها در جبهه جنگ از قبل کاملاً روشن بشود ■

سود ویژه و ضرورت مبارزه برای افزایش دستمزدها

سرمایه‌داران تهاجمی جدید به سطح زندگی کارگران را تدارک می‌بینند. دولت مدافع منافع سرمایه‌داران، به بهانه نزدیک بودن پایان سال ۵۹، لایحه‌ای قانونی جهت تهاجم به حقوق کارگران، با قید یک فوریت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کرده است. مجلس شورای اسلامی با تصویب فوریت لایحه، موافقت خود را با تهاجم فوری به سطح زندگی طبقه کارگر اعلام کرده است. لایحه به شرح زیر است:

لایحه الحاق یک تبصره به بند ۲ لایحه قانونی تأمین منافع کارگران مشمول قانون سهم کردن کارگران در منافع کارگاه های صنعتی و تولیدی مصوب ۱۳۲۱ و لغو قوانین سابق ماده واحده

تبصره زیر به عنوان تبصره ۳ به بند ۲ لایحه قانونی تأمین منافع کارگران مشمول قانون سهم کردن در منافع کارگاه های صنعتی و تولیدی مصوب ۱۳۲۱ و لغو قوانین سابق (مصوب ۵۹/۴/۲۳ - شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران) اضافه می‌شود:

تبصره ۳ - کارگاه های مشمول این قانون موظف اند به ازای هر یک درصد افزایش تولید سزانه در سال ۵۹ نسبت به متوسط تولید سزانه سال های ۵۶، ۵۷ و ۵۸ معادل یک روز دستمزد ثابت پرداختی و حداکثر تا ۲۰ روز بعنوان پاداش افزایش تولید به کارکنان کارگاه پرداخت نمایند. نحوه پرداخت بدین شرح است:

در مورد کارگرانی که قبل از سال ۵۹ در کارگاه کار می‌کردند باید پرداخت بطور مساوی انجام می‌گردد. پرداخت به کارگرانی که در سال جاری به کارگمارده شده‌اند نسبت به روزهای کارکرد می‌باشد.

وجوه متعلقه برمازاد ۲۰ روز حقوق کارگران کارگاه به شماره حساب ۲۲۲ شعبه مرکزی بانک ملی ایران جهت کمک به هموطنان جنگ زده و آواره و رسید آنها به وزارت کار و امور اجتماعی ارسال دارند.

نخست وزیر - وزیر امور اقتصادی و دارایی - وزیر کار و امور اجتماعی

مصوبه قبلی شورای انقلاب در ۵۹/۴/۲۳، تهاجمی بود توسط سردمداران رژیم سرمایه‌داری به حقوق طبقه کارگر. لایحه پیشنهادی دولت رجایی، که پیشنهاد لغو مصوبه

شورای انقلاب در ۵۹/۴/۲۳ را می‌نماید نیز ادامه همان سیاست های ضد کارگری شورای انقلاب و رژیم سرمایه‌داری در تهاجم به طبقه کارگر است.

مصوبه شورای انقلاب در ۵۹/۴/۲۳ نیز قانون سیود ویژه و پرداخت ۲ ماه حقوق بعنوان سود و عیدی و پاداش بطور یکسان در تمام کارگاه های مسئول قانون سهم کردن کارگران در منافع کارگاه های صنعتی و تولیدی را اعلام می‌کرد که مورد اعتراض گسترده کارگران قرار گرفت.

بنابر لایحه جدید دولت که مصوبه قبلی شورای انقلاب را لغو می‌کند و قانون سود ویژه را دوباره احیاء می‌کند این بار بدون پرداخت دو ماه حقوقی که سابقاً بعنوان پاداش و عیدی اضافه بر سود ویژه پرداخت می‌گردید بنابر لایحه جدید به جای پرداخت دو ماه حقوق به همه کارگران بعنوان پاداش و عیدی، حداکثر ۲۰ روز حقوق به بعضی از کارگران پرداخت می‌شود. تازه اگر پرداخت شود بنا بر همین لایحه، برای پرداخت ۲۰ روز حقوق به کارگران کارگاه باید حداقل ۲۰٪ اضافه تولید داشته باشد.

به این بهانه متوسل می‌شود که: (مصوبه شورای انقلاب) به دلیل اینکه هیچ گونه تفاوتی بین واحد هایی کسبه دارای افزایش تولید بوده و سایر واحدهایی که نقصان تولید داشته و باید در سطح تولید قبلی بماند (قائل) نشده است، لذا تبصره پیوست جهت دادن امتیازی در دو بعد مادی و معنوی بسبب واحد های فعال و سایر واحدها تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد.

دولت مدافع منافع سرمایه‌داران، به بهانه امتیاز دادن به واحدهای فعال (کدام واحد ها؟!)، تهاجم خود را به حقوق کارگران توجیه می‌کند. دولت مدافع منافع سرمایه‌داران بخواهی می‌داند که چگونه در صفوف طبقه کارگر تفرقه بیندازد و با سوء استفاده از پراکنندگی نیروهای طبقه کارگر تهاجم خود را به سطح زندگی کل طبقه کارگر سازمان دهد: ابتدا کارگران مشمول قانون سود ویژه، از کارگرانی که پیش از این قانون نیستند جدا می‌شوند. سپس میان کارگران کارگاه های مشمول قانون سود ویژه که افزایش تولید داشته‌اند و کارگاه هایی که افزایش تولید نداشته‌اند جدایی می‌اندازد و بعد از آن اینها میان کارگران قدیمی و جدیدی که در کارگاه های مشمول قانون سود ویژه که افزایش تولید هم داشته‌اند تفرقه می‌اندازد. علاوه بر همه اینها تهاجم به حقوق کارگران را به بهانه کمک به آوارگان جنگ زده توجیه

می کنند تا میان کارگران و مردم جنگ زده جدایی بینکنند !
اینهمه تفرقه افکنی جهت حمله به سطح زندگی کل طبقه کارگر
با تئید يك فوریت انجام می شود !

کارگران برای مقابله با تهاجمات دولت سرمایه داری
به سطح زندگی طبقه کارگر باید علیه کلیه این تفرقه افکنی های
سرمایه داران به مقابله برخیزند و برای دفاع از سطح زندگی
و دستمزدهای خود متحد شوند .

لایحه قانونی دولت سرمایه داری ، تهاجم به سطح
زندگی کل طبقه کارگر به تئید يك فوریت است . این تهاجم
در شرایطی صورت می گیرد که بحران نظام سرمایه داری هر روز
طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را به فقر و فلاکت بیشتری دچار
می کند . در چنین شرایطی اتحاد صفوف طبقه کارگر و مبارزه
متحد و یکپارچه طبقه کارگر علیه اقدامات دولت سرمایه داری
به تئید و فوریت ضرورت پیدا می کند . سرمایه داران بسبب
سرعت صفوف خود را علیه کارگران متحد می کنند ، کارگران باید
با سرعتی بیش از سرمایه داران نیروهای خود را متحد کنند و
برای مقابله با حملات سرمایه داری تدارک ببینند .

مصوبه شورای انقلاب در ۲۳ / ۲ / ۵۹ مبنی بر پرداخت
۲ ماه حقوق به عنوان سزای عیدی و پاداش بطور یکسان
در تمام کارگاه ها ، حداکثر تا ۸۵۰۰ تومان به بهانه
لغو قانون " طاغوتی " سود ویژه توجیه شد . توجیه بسبب
اصطلاح " انقلابی " و " ضد طاغوتی " لغو قانون سود ویژه
توسط شورای انقلاب در حالی صورت گرفت که قانون گسترار
" طاغوتی " و ماده ۴۳ قانون کار هنوز اجرا می شد (و هنوز
هم اجرا می شود) . در هر حال اعتراض گسترده کارگران به
حملات شورای انقلاب به سطح دستمزدها سالیانه طبقه
کارگر ، نشان داد که دیگر کسی عوامفریبی های " ضد طاغوتی "
سرمه داران رژیم جمهوری اسلامی را باور نمی کند .

در حقیقت مصوبه شورای انقلاب به کاهش شدید درآمد
کارگران منجر می شد . پیش از لغو قانون سود ویژه به کارگران
بسیار بیشتر از دو ماه حقوق پرداخت می شد ، یکماه حقوق
به عنوان عیدی ، و مقداری بسیار بیشتر از معادل یکماه حقوق
به عنوان سود ویژه . بخشی از درآمد سالیانه کارگران را تشکیل
می داد . به خصوص باید توجه کرد که کارگران بر روی پرداخت
های اسفند ماه بسیار حساب می کردند ؛ آنها حتی به حساب
در ریافت سود ویژه به حساب در ریافت آن بخشی از آنرا محسوس
میکردند . علاوه بر اینکه خرید پوشاک سالیانه آنها
تعمیرات چیزی در مسکن و ... از محل همین " سود ویژه " و
" عیدی " انجام می شد .

لایحه پیشنهادی دولت ، مسخره بودن توجیهات
" ضد طاغوتی " شورای انقلاب را جهت لغو قانون سود ویژه
بخصوص ثابت می کند . بر اساس لایحه جدید ، قانون سود
ویژه دوباره احیا می شود . ولی بجای پرداخت
دو ماه حقوق به عنوان " عیدی " و " پاداش " ، حداکثر
معادل ۲۰ روز حقوق به کارگران کارگاه هایی که افزایش تولید
داشته اند پرداخت می شود .

مجموعه اقدامات " ضد طاغوتی " و " طاغوتی " رژیم
جمهوری اسلامی منجر به کاهش درآمد سالیانه طبقه کارگر
به مقدار قابل توجهی می شود . یعنی از درآمد سالیانه
کارگران تقریباً معادل یکماه حقوق و بطور متوسط حدود ده هزار
تومان حق السهم کارگران در سود کارگاه حذف می شود و به جای
آن عملاً هیچ چیز به آنها پرداخت نخواهند کرد .

قانون سود ویژه

رژیم سرمایه داری حاکم که کلی هم ادعای " انقلابی گری
و حمایت از " مستضعفین " و حقوق طبقه کارگر را دارد . با
الحاق يك تبصره به بند ۲ لایحه قانونی تامین منافع کارگران
(مصوب رژیم سلطنت) ، تنها سیاست های ضد کارگری رژیم
سلطنت را ادامه می دهد .

قانون سود ویژه ، در حقیقت شهر بنی یال و دم و کوبالی
بود که رژیم جمهوری اسلامی با افزودن محدودیت های
بیشتری به آن ، چشم آن را هم در آورده . سیاست های امروز
" هیات حاکم " در " لغو " و " احیا " دوباره قانون
سود ویژه در حقیقت ادامه منطقی همان سیاست هایی است
که به وضع قانون سود ویژه توسط رژیم آلمانی منجر شد . یعنی
ادامه سیاست های رژیم سرمایه داری است .

یکی از شیوه های تشدید استعمار کارگران توسط سرمایه
داری تقسیم کل دستمزدها کارگران به دو بخش است ؛ يك بخش
به اسم دستمزدها و دیگری به نام پزیا ، در این تقسیم بندی
منظور از دستمزدها همان حقوق ثابت روزانه و یا ماهیانه ای است
که کارگران دریافت می کنند . اما مزایا اشکال مختلفی دارد و در
مورد کارگاه ها و کارخانجات متفاوت نوع و میزان آن کاملاً متغیر
است . از جوهی که تحت عنوان پزیا پرداخت می شوند می توان
از حق اولاد (عائله مندی) حق بدی آب و هوا ، حق نسبی ،
حق کارگاهی ، کمک هزینه خوابگاه ، کمک هزینه مسکن و حقوق
بعد مسافت (ایاب و ذهاب) ، عیدی ، پاداش و سهم کردن
کارگران در سود ویژه کارخانجات نام برد . انگیزه سرمایه داری
از این تقسیم بندی مصنوعی کاملاً روشن است . از این طریق
سرمایه داران و کارفرمایان موفقی خواهند شد که در وقت
پرداخت بهره و دستمزدها دوران سانحه ، بیماری ، پستی و
بازنشستگی ، نقص عضو دائم ، بیکاری و یا مرگ بجای در نظر
گرفتن کل دستمزدها صرفاً به چیزی از آن اکتفا کنند و بدین
ترتیب از پرداخت کل حقوق کارگران سرچی نمایند . در همین
حال این بخش از دستمزدها کارگران در پرداخت های متوسط
به تعطیلات ، مرخصی ها و خصوصاً در اخراج و بازگشت
شدن کارگران منظور نمی گردد .

رژیم شاه نیز در دی ماه سال ۱۳۴۱ و بعد از
تغییر رژیم " انقلابی " مجبور به افزایش دستمزدها کارگران
گردید ؛ در این رابطه بجای بالا بودن سطح حداقل دستمزدها

سرمایه داری به سطح دستمزد سالیانه کارگرانی که مشمول قانون سود ویژه می‌شوند، تهاجم رژیم سرمایه‌داری به سطح دستمزد سالیانه کل طبقه کارگر است.

هدف از تهاجم رژیم سرمایه‌داری به سطح دستمزدهای طبقه کارگر، حفظ سرمایه داری بحران زده ایران از ورشکستگی کامل از طریق سود آور کردن تولید برای سرمایه داران است. یعنی سود آور کردن تولید، از طریق کاهش میزان دستمزدها و بنا بر این افزایش میزان استثمار طبقه کارگر.

دستمزد بهایی است که سرمایه‌داران جهت خرید نیروی کار (توانایی کار کردن کارگر برای مدتی معین) به کارگر می‌پردازند. یکی از ضد انسانی‌ترین جنبه‌های نظام سرمایه‌داری، در تبدیل نیروی کار انسانی به کالایی قابل خرید و فروش است. قانون استثمار سرمایه داری نیز در خرید نیروی کار کارگر توسط سرمایه داری نهفته است.

سرمایه دار با پرداخت دستمزد به کارگر (خرید نیروی کار کارگر) محصول کار کارگر را تصاحب می‌کند. بهایی که سرمایه داران بابت خرید نیروی کار کارگران، تحت عنوان دستمزد، می‌پردازند، از ارزش محصولی که کارگران تولید می‌کنند کمتر است. تفاوت میان ارزش محصول تولید شده (با حذف ارزش مواد اولیه و فرسایش وسایل تولید که هردو نیز محصول کار کارگران هستند) و دستمزد کارگران سود سرمایه‌داران را تشکیل می‌دهد. تنها این کلاهبرداری آشکار در پوشش قوانین بازار پنهان شده است.

هدف از سرمایه‌گذاری و تولید در نظام سرمایه‌داری کسب سود است. سرمایه‌دار جهت آنکه بر میزان سود خود بیفزاید تا آنجا که می‌تواند سعی می‌کند که بهای کمتری بابت خرید نیروی کار پرداخت کند.

در نظام سرمایه‌داری طبقه کارگر چاره‌ای جز فروش نیروی کار خود ندارد. این تنها راه ادامه زندگی برای طبقه کارگر است. دستمزد بهایی است که سرمایه‌داران بابت خرید نیروی کار کارگران می‌پردازند. میزان دستمزدها نیز مانند قیمت هر کالای دیگر براساس قوانین بازار تعیین می‌شوند. در اینجا نیز سرمایه‌داری برای کسب سود بیشتر سعی می‌کند با دامن زدن رقابت میان فروشندگان نیروی کار (کارگران) و جلوگیری از اتحاد و تشکل طبقه کارگر به کارگران دستمزدی کمتر از ارزش نیروی کارشان بپردازد (بنا بر این بیکاری، یعنی وجود توده‌های وسیع کارگرانی که حاضرند وسیله‌های است در دست سرمایه‌داران جهت کاهش میزان دستمزدها).

ارزش نیروی کار در جامعه سرمایه‌داری نیز مانند ارزش کلیه کالاهای دیگر تعیین می‌شود. یعنی براساس مقدار کاری که در تولید یک کالا بکار رفته است. به عبارت دیگر ارزش نیروی کار در نظام سرمایه‌داری مساوی است با آنچه که برای تولید نیروی کار (یعنی معادل آنچه که کارگر را قادر می‌سازد که به کارش ادامه دهد) ضروری است. ارزش نیروی کار در جامعه سرمایه‌داری مساوی است با

و با افزایش میزان دستمزد ها و با از طریق از دستمزد ها متناسب با افزایش سطح تورم، به روش شناخته شده فوق‌الذکر متصل گردید و به این ترتیب قانون سهیم کردن کارگران واحد ای تولیدی و صنعتی مشمول قانون کار در حد اکثر بیست درصد سود ویژه کارخانجات را بتصویب رساند. نتیجتاً با این کار جلو افزایش واقعی دستمزدها را گرفت و با نامگذاری این قانون به اسم اصل چهارم "انقلاب شاه و مردم" سعی نمود تا کارگران را در مورد اهداف خود تحقیق نماید. این قانون از همان ابتدا از هزار و یک جور محدودیت برخوردار بود. اولاً کلیه کارگران را شامل نمی‌شد زیرا بسیاری از کارگران صنوف و حرف و کارگران خدماتی از دریافت این وجه محروم می‌شدند. در عین حال این قانون شامل حساب کارگران کشاورزی، ساختمانی و کارگران شهرداری و شرکت واحد نمی‌شد. ثانیاً کارگران در شرایط اختناق پلیسی در تعیین سود ویژه هیچ گونه نظارت و دخالتی نداشتند و کارفرما به عناوین مختلف سود ویژه را با حساب سازی‌های خود پائینتر از واقعیت نشان می‌داد. در این رابطه با مقدار هزینه‌های پرداختی بابت مواد اولیه، انرژی و ابزار کار را به دروغ بالا نشان می‌داد و یا استهلاک سرمایه ثابت (ماشین آلات و ساختمان) را بیش از واقع منظور می‌نمود و یا سهم آن بخش از سود را که صرف سرمایه‌گذاری جدید و گسترش تولید می‌شد زیادتر از واقعیت محاسبه می‌نمود و یا البته ترکیبی از همه این شیوه‌ها. البته شورای این دزدی‌ها پنهان، قوانین "آریامهری" کلاه برداری‌های آشکار را نیز در نظر گرفته بود. به این ترتیب که می‌بایستی از ۲۰ درصد سود ویژه ۱۰ درصد بعنوان مالیات مستقیم کسر می‌شد تا در سرمایه‌های شرکت‌های تعاونی مصرف کارگران واریز گردد. بنابراین در بهترین شرایط بجای ۲۰ درصد حد اکثر ۱۸ درصد از سود ویژه بین کارگران تقسیم می‌گردید.

ثالثاً، اجرای قانون سهیم کردن کارگران در کارخانجات به روش‌های متفاوت اجرا می‌گردید که عبارت بودند از: تبدیل ضایعات، بهبود کیفیت تولید، افزایش تولیدات و سود خالص کارگران. این سیاست باعث ایجاد رقابت و حتی نفاق در بین کارگران می‌شد و جلو اتحاد و همبستگی آنها را می‌گرفت و از این طریق تسلط کارخانه داران را بر روی کارگران تحکیم می‌کرد. بهرحال کارگران بخشی از دستمزد خود را بعنوان سود ویژه در آخر هر سال دریافت می‌کردند و از نظر آنان سود ویژه حکم "کاجی بهتر از هیچی" را داشت.

لغو قانون سود ویژه توسط شورای انقلاب و لایحه جدید دولت، هر دو در ادامه سیاست‌های ضد کارگری رژیم سرمایه‌داری هستند. هدف تنها کاهش میزان دستمزد طبقه کارگر، جهت افزایش سود سرمایه داران است.

بحران سرمایه‌داری، سود و دستمزد

تهاجم سرمایه‌داری به هر بخش از طبقه کارگر که باشد، تهاجم به کل طبقه کارگر است. تهاجم کنونی رژیم

که باشد ، نباید منجر به کاهش درآمد سالیانه کارگران شود . باید حداقل این برداشت به کارگران توسط کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران براساس محاسبه نیازهای کارگران در آخر سال و با در نظر گرفتن میزان افزایش هزینه زندگی تعیین شود . کارگران مبارز باید خواستار پرداخت حداقل صد هزار ریال به علاوه یکماه حقوق در پایان اسفند ۵۹ شوند .

ورشکستگی کارگاه هایی مختلف به کارگران ارتباطی ندارد . مسئولیت آن برعهده مدیریت است که مانع سازماندهی تولید توسط شوراهای نمایندگان منتخب کارگران شده است . پرداخت حداقل صد هزار ریال به علاوه یکماه حقوق در پایان سال ۵۹ . کوچکترین ارتباطی به میزان سود کارگاه های تولیدی ندارد .

۴- پرداخت حداقل صد هزار ریال به علاوه یکماه حقوق در پایان اسفند ۵۹ ، باید شامل همه کارگران شود . تنها کارگرانی که مشمول قانون سود ویژه هستند .

۵- مبارزه علیه تهاجم به سطح زندگی طبقه کارگر و کاهش دستمزدها ، نباید در چارچوب مبارزه برای افزایش میزان پرداختی در پایان سال ۵۹ محدود شود . کنگره سراسری نمایندگان شوراهای کارگران باید حداقل حقوق کارگران را براساس نیازهای کارگران برای برخورداری از سطح زندگی مناسب تعیین کند . این حداقل نمی تواند از ۱۵۰ تومان در ماه کمتر باشد .

۶- مبارزه برای تعیین حداقل دستمزدها ، بطبوع اجتناب ناپذیری با مسئله طرح طبقه بندی مشاغل گره خورده است . دولت جمهوری اسلامی ، که ماهیت ضد کارگری آن کاملاً روشن شده است ، اعلام کرده که بزودی لایحه طبقه بندی مشاغل را که خود تدوین کرده است ، به مجلس شورای اسلامی خواهد برد . و اجرای کلیه طرح های طبقه بندی مشاغل را که توسط شوراهای نمایندگان منتخب کارگران تدوین شده است را غیر قابل اجرا تشخیص داده است .

در طرح طبقه بندی مشاغلی که توسط دولت ضد کارگری تدوین شده باشد مسلماً منافع اکثریت کارگران در نظر گرفته نخواهد شد . در چنین طرحی نه تنها حداقل دستمزدها بسیار ناچیز خواهد بود ، بلکه نسبت حداقل دستمزدها و حداکثر دستمزدها نیز بیش از آنچه که باید باشد تعیین خواهد شد .

کنگره سراسری نمایندگان شوراهای علاوه بر آنکه باید درباره مسئله فوری میزان پرداختی در پایان سال ۵۹ تصمیم خود را اعلام نماید باید طرح طبقه بندی مشاغل را نیز به بحث بگذارد ، و طرح مشترکی از جانب طبقه کارگر ارائه دهد .

۷- کارگران و مردم آواره و جنگ زده منافع مشترکی دارند . مسئولیت آوارگی مردم جنوب برعهده رژیم است که از مسلح کردن آنها خودداری کرده است . دولت باید بجای اردوگاه های مناسب ، آوارگان را در مکان های مناسب جای

بقیه در صفحه ۴

هزینه تولید نیروی کار با هزینه زندگی کارگر جهت ادامه کار . سرمایه داری جهت افزایش سود خود سعی می کند هر چه زندگی کارگر را به حداقل ممکن ، یعنی به زندگی بخور و نمیر برساند .

در بزنو آنچه که گفته شد ، بررسی سیاست های رژیم سرمایه داری برای خروج از بحران کنونی ممکن می شود . رژیم سرمایه داری برای نجات سرمایه داری بحران زده ایران از ورشکستگی ، باید تولید را برای سرمایه داران سود آور کند . افزایش سود سرمایه داران تنها از طریق کاهش سطح دستمزدهای طبقه کارگر ممکن است . یعنی از طریق افزایش میزان فقر و فلاکت و بدبختی طبقه کارگر و کاهش سطح زندگی طبقه کارگر به حداقل ممکن .

لایحه قانونی دولت ، که موجب کاهش درآمد سالیانه کارگران مشمول قانون سود ویژه می شود ، تنها برای بخش بر طبقه کارگر تاثیر نمی گذارد ، بلکه به کاهش سطح دستمزدها برای کل طبقه کارگر منجر می شود . بنا بر این طبقه کارگر باید متحد علیه این تهاجم سرمایه داری به سطح دستمزدها مبارزه کند .

مبارزه علیه کارگر ، علیه تهاجم سرمایه داری به سطح دستمزدها ، برای طبقه کارگر مبارزه مرگ و زندگی است . نجات نظام سرمایه داری از بحران کنونی تنها از طریق تهاجم گسترده به سطح زندگی طبقه کارگر و افزایش فقر و فلاکت عمومی ممکن است . مبارزه علیه کاهش دستمزدها ، مبارزه علیه چشم انداز فقر و فلاکت عمومی است .

چه باید کرد؟

۱- در مبارزه علیه تهاجم سرمایه داری به سطح زندگی طبقه کارگر ، طبقه کارگر باید متحد و با برنامه واحد به صحنه مبارزه قدم گذارد . حفظ اتحاد طبقه کارگر و تدوین برنامه مبارزاتی طبقه کارگر تنها از طریق اتحاد شوراهای نمایندگان منتخب کارگران از طریق تشکیل شورای سراسری کارگران ممکن است . اولین قدم در این راه برگزاری کنگره سراسری نمایندگان شوراهای است کارگران مبارز باید در هر کجا که هستند برای تشکیل کنگره سراسری و متحد نمایندگان شورا های کارگری و اتخاذ چنین سیاستی توسط شوراهای خود شان مبارزه کنند . کانون هماهنگی شوراهای اسلامی و کانون شوراهای اسلامی که بخش مهمی از شوراهای نمایندگان کارگران را بدور خود متشکل کرده اند ، در فراخواندن کنگره سراسری نمایندگان شوراهای نقشی اساسی می توانند ایفا کنند .

۲- افزایش سرسام آور هزینه زندگی هم اکنون سطح زندگی کارگران را به میزان قابل توجهی کاهش داده است . مبارزه علیه کاهش سطح دستمزدها باید شامل افزایش دستمزدها متناسب با افزایش هزینه زندگی شود .

۳- پرداختی به کارگران در آخر سال ، تحت هر عنوانی

قطعنامه سمپتار سپاه پاسداران :

تخریب مقاومت علیه تهاجم نظامی

ناتوانی و بی کفایتی رژیم جمهوری اسلامی و بی میلی فرماندهان نیروهای مسلح رژیم در پیشبرد امر مقاومت ، بنه طولانی شدن جنگ و آوارگی زحمتکشان و ستمدیدگان جنوب منجر شده است . مسئولیت آوارگی میلیون ها نفر از کارگران ، زحمتکشان و ستمدیدگان جنوب با رژیم جمهوری اسلامی و نیروهای مسلح آن از جمله سپاه پاسداران است . سپاه پاسداران پس از مقاومت قهرمانانه مردم خرمشهر در برابر تهاجم نظامی دولت عراق ، خلع سلاح آنان را آغاز کرد . امروز نیز بر خلع سلاح بیشتر مردم زحمتکش جنوب پای می فشارد .

در قطعنامه ۲ ماده ای سپاه پاسداران حتی يك کلمه مبنی بر ضرورت آموزش نظامی و بسیج مسلحانه زحمتکشان جنوب که آواره شده اند وجود ندارد . يك کلمه مبنی بر ضرورت بسیج مسلحانه و متحد توده های وسیع کارگران ، زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه وجود ندارد . برعکس قطعنامه مسئولان سپاه پاسداران خلع سلاح زحمتکشان را که بنه شکست نظامی انقلاب ایران منجر خواهد شد مطرح می کند !

مسئولین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، در پایان سمینار سه روزه خود در قم ، قطعنامه ای در ۷ ماده تصویب کردند . در شرایطی که انقلاب ایران مورد تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق قرار گرفته است ، از مسئولان سپاهی که مدعی پاسداری از انقلاب است این انتظار می رود که در قطعنامه خود ضرورت ها و نیازهای پیشبرد امر دفاع از انقلاب را مطرح کنند . ولی همانطور که سپاه پاسداران از حاکمیت مستبدانه ، روحانیت و سلطه روابط بوسیده ، سرمایه داری پاسداری می کند نه از دست آورد های انقلاب ، در قطعنامه مسئولان سپاه پاسداران نیز نیازهای دفاع از انقلاب نه تنها مطرح نمی شود ، بلکه پیشنهادهای جهت تخریب مقاومت نیروهای انقلاب در جبهه جنگ علیه تجاوز نظامی امپریالیستی مطرح می شوند و به تصویب می رسند .

یکی از مواد قطعنامه ۲ ماده ای مسئولان سپاه مطرح می کند : " ضمن تقاضا از دولت مبنی بر خود کفایی سپاه ، از مجلس محترم شورای اسلامی خواهیم به هر نحو که صلاح می دانند جلوی فعالیت گروه های مسلح غیرقانونی و جدا از ارتش سپاه و بسیج را که در امر جنگ دخالت می کنند بگیرند . "

۴ ماه و نیم پس از آغاز تهاجم نظامی امپریالیستی ، میلیون ها نفر از مردم زحمتکش جنوب بخاطر ناتوانی و بی میلی فرماندهان نیروهای مسلح رژیم سرمایه داری حاکم در عقب راندن تهاجم نظامی امپریالیستی آواره شده اند . سردمداران رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با سرساز زدن از سازماندهی موثر مقاومت علیه تهاجم نظامی امپریالیستی از طریق بسیج مسلحانه و متحد کلیه کارگران ، زحمتکشان و ستمدیدگان ایران ، از طریق مسلح کردن هسته های مسلح رگری تحت کنترل شوراهای کارگری ، فرسایشی شدن جنگ را بر انقلاب ایران تحمیل می کنند . در چنین شرایطی مسئولان سپاه پاسداران خلع سلاح نیروهای مقاومت مردمی را تحت عنوان مدخله گروه های مسلح غیرقانونی پیشنهاد می کنند .

مسئولین سپاه پاسداران یکبار با ادغام بسیج مستضعفین در سپاه ، نشان دادند که قادر به تحمل هیچ نیروی مسلحی خارج از کنترل خود ، نیستند . حتی اگر وجود چنین نیرویی در عقب راندن تهاجم نظامی موثر باشد . هم اکنون پیشنهاد یکید آنها مبنی بر جلوگیری از مدخله گروه های مسلح غیرقانونی در سازمان دهی مقاومت ، تخریب بیشتر نیروهای مقاومت انقلاب ، در برابر تهاجم نظامی امپریالیستی را مد نظر دارد .

کارنامه سپاه پاسداران

روز یکشنبه ۱۲ آبان ماه عدای از مسولین سپاه پاسداران ، در يك مصاحبه رادیوتلوویزیونی شرکت کردند و پیرامون فلسفه و کارنامه سپاه بیاناتی ابراز داشتند . پیرامون فلسفه ایجاد سپاه حجت الاسلام محلاتی فرمودند :

" این سپاه فقط جهت پاسداری از تمامیت ارضی نیست ، بلکه در درجه اول وظیفه دارد از عقاید انقلابی اسلامی حفاظت کند . "

ولی این فلسفه در عمل چگونه بوده است ؟ این سؤال مربوط می شود به کارنامه سپاه پاسداران ، اینرا آنگاه حجت الاسلام محلاتی به این نحو خلاصه کردند :

" از کارهای مهم سپاه مبارزه در کردستان ، در ترکمن صحرا و سیستان و بلوچستان ... بوده است . "

" عملکرد مهم دیگر سپاه دستگیری ... ستاد خلق عرب در خوزستان بود ، همینطور در آذربایجان ... "

می بینیم که حتی یکی از ملیت های ستمدیده ایران از این کارنامه انقلابی معاف نشده است ■

مردم خوزستان ، ایلام ، کرمانشاهان و کردستان را مسلح کنید !

تبلیغ شکنجه همراه با تکذیب آن

دادستانی و زندان اوین اختصاص داده شده است .
صبح آزادگان تقریباً دو صفحه مهم از روزنامه خود را به
لجن پراکنی ها ، دروغ گویی ها و تهمت های شکنجه گران
زندان اوین ، جهت توجیه شکنجه زندانیان مجاهد اختصاص
می دهد . روزنامه صبح آزادگان ، که توسط یک نهنگ
رسمی رژیم جمهوری اسلامی یعنی بنیاد مستضعفین اداره
می شود ، به این طریق ضرب و جرح و شکنجه اعضا و طرفداران
سازمان مجاهدین خلق را تشویق و ترویج می کند .

رئیس و بی اعتباری مسئولین دادستانی و زندان
اوین بقدری است که بیانیه سراسر دروغ ، تهمت و افتسرای
آنها را کمتر کسی باور می کند . شکنجه گران زندان اوین
در بیانیه به اصطلاح " افشاگرانه " خود ، علاوه بر
تهمت های بی اساسی که به زندانیان مجاهد ، خانواده های
زندانیان ، دبلمه ها و کارگران بیکار و اعضا و طرفداران
مجاهدین زد ماند ، به توجیه شکنجه زندانیان سیاسی نیز
پرداخته اند .

جای بیانیه به اصطلاح " افشاگرانه " مسئولین دادستانی
و زندان اوین ، توسط صبح آزادگان در حقیقت تبلیغ و تشویق
شکنجه گران و چماقداران ، به ضرب و جرح و شکنجه مبارزین
سیاسی است . باید به اعمال ضد انسانی و وحشیانه ای مانند
شکنجه افراد پایان داد . کسانی که شکنجه و ضرب و جرح
مبارزین سیاسی را تبلیغ و تشویق می کنند ، حق ندارند کسیه
جهت تبلیغات مسموم و ضد انسانی خود از امکانات بنیاد
مستضعفین و اموال بیت المال مردم استفاده کنند . گردانندگان
صبح آزادگان ، باید برای پخش نظرات ضد انسانی خود
جای دیگری بغیر از مطبوعات بنیاد مستضعفین پیدا کنند .

علاوه بر این مطبوعاتی که مانند صبح آزادگان با ابراهیم
تهمت و افترا به جنگ مخالفین سیاسی خود می روند بایست
دروغ ها و تهمت های خود را با دلیل و مدرک ثابت کنند .
در غیر این صورت کسانی که مورد تهمت های ناروای این
گونه مطبوعات قرار گرفته اند باید حق آنها داشته باشند کسیه
مفتریان و دروغگویان را به پای میز محاکمه ملنی و با حضور
هیأت منصفه بکشانند . جو استبداد و خفقان کنونی دقیقاً
بخاطر سرکوب آزادی بیان ، عقیده و مطبوعات بوجود آمده
است .

لجن پراکنی های مطبوعات رسمی و رسانه های گروهی علیه
نیروهای سیاسی مختلف عامل پدایش محیط سرکوب و خفقان
کنونی است که اجرای اعمال وحشیانه ای از قبیل شکنجه و ضرب و
جرح مخالفین سیاسی را توسط سردمداران استبداد ممکن
کرده است . آزادی مطبوعات کارگری جهت پاسخگویی به
اتهامات و لجن پراکنی های دستگاه های تبلیغاتی رسمی
ضروری است . حق به محاکمه کشاندن مفتریان و دروغگویان برای
پایان پخشیدن بی شکنجه و چماقداری ضروری است ■

محمد علی فایق ، طرفدار سازمان مجاهدین خلق ،
توسط عدای در شیراز روده می شود ، در خانه امنی بطرز
فجیع و کاملاً وحشیانه ای مورد شکنجه قرار می گیرد . شکنجه گران
با خونسردی کامل ۸۰ نقطه بدن محمد علی فایق را با آتش
سیگار می سوزانند . آنها با آتش سیگار بر پشت دست چسب
آقای فایق عبارت " زنده باد خمینی " را می نویسند .

شکایت رسمی آقای محمد علی فایق به استانداری فارس
منجر به دستگیری ایشان توسط سپاه پاسداران می شود . در مرکز
سپاه پاسداران ایشان را تهدید می کنند که در صورت افشای
حقایق به ۲ سال زندان به اتهام شایعه پراکنی محکوم خواهند
شد .

نوشتن عبارت " زنده باد خمینی " با آتش سیگار بر پشت
دست محمد علی فایق ، تنها یکی از نمونه های فجیع شکنجه
در رژیم جمهوری اسلامی است ، ولی با وجود چنین نمونه های
فجیعی از شکنجه دیگر چه کسی می تواند وجود شکنجه
را تنها یک شایعه قلمداد کند . اما شاید مدافعین و توجیه
گران شکنجه در رژیم جمهوری اسلامی وقاحت را هم از ازهاری
گوساله به ارث برده باشند .

همکاری استانداری فارس ، شورای فرماندهی
سپاه پاسداران فارس ، ستاد برگزاری نماز جمعه شیراز پس
شکنجه گران آقای محمد علی فایق کاملاً روشن است . (قبل از
خطبه نماز جمعه شیراز یکی از اعضای شورای فرماندهی
سپاه پاسداران فارس اعلام می کند : " چند روز قبل طرفداران
مجاهدین خلق جوانی را گرفتند و در یک خانه تبعی پس
آتش سیگار روی دست او نوشتند زنده باد خمینی ")
استانداری فارس ، ستاد برگزاری نماز جمعه شیراز ، شورای فرماندهی
سپاه پاسداران فارس ، همه در برابر زخمه تشکشان ایران جهت
حمایت از عاملین این شکنجه فجیع مسؤل هستند . ولی
آنها تنها مسئولین وقوع اینگونه اعمال جنایتکارانه نیستند .

مسئولیت اعمال ضد انسانی و فجیع از قبیل شکنجه
با کسانی است که با ایجاد جو خفقان ، سرکوب و سانسور
در سراسر کشور ، به دست های اوباش چماقدار ، حاکمین
شرع ، زندانیان ، پاسداران و ... امکان می دهند که بدون
هیچ گونه ترس و واهمه ای به اعمال ضد انسانی و وحشیانه
خود ادامه دهند .

روزنامه صبح آزادگان ، که توسط بنیاد مستضعفین
اداره می شود ، از جمله مطبوعات رسمی است که ضرب و جرح
طرفداران نیروهای سیاسی و شکنجه افراد را به خاطر
عقایدشان در سطح جامعه تبلیغ و تشویق می کند . صبح
آزادگان در ۸ / ۱۰ / ۵۹ ، در صفحه اول روزنامه با تیتر
درشت ، می نویسد : " صبح آزادگان برای اولین بار منتشر
می کند : اطلاعات مهم از تشکیلات و برنامه و سازماندهی
مجاهدین خلق . بخش اعظم صفحات اول و دوم روزنامه
صبح آزادگان ، به بیانیه به اصطلاح " افشاگرانه " مسئولین